

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نگاهی به اشعار حافظ و سنایی بر اساس نظریه بینامتنیت

علی عباس علی زاده

استادیار گروه عمومی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه فسا

abbasalizadeh@fasau.ac.ir

چکیده

بینامتنیت به رابطه‌ای میان دو یا چند متن اطلاق می‌شود، متن‌های ادبی از نظر زمانی، وزنی و معنایی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. متن‌های ادبی همواره در حال گفتگو هستند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند، از این رو هیچ اثری به صورت مستقل و به تنهایی به وجود نمی‌آید، به عبارت دیگر هر متن هنری از آثار پیشین مایه می‌گیرد و بر آثار بعد از اثر می‌گذارد. سنایی یکی از بزرگترین شاعران شعر فارسی که بر بسیاری از شاعران بعد از خود چه از لحاظ محتوا و مفهوم و چه از لحاظ ساخت و صورت شعر اثر گذاشته است. در این مقاله برآنیم روابط بینامتنیت میان شعر حافظ و سنایی را تنها از لحاظ ساخت و صورت و همانندی‌های وزنی بررسی کنیم.

کلمات کلیدی: بینامتنیت، حافظ، سنایی، صورت، وزن.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

نظریه بینامتنیت (intertextuality) توسط جولیا کریستوا استفاده شده است و به معنی شیوه‌های متعددی است که هر متن ادبی به واسطه‌ی آنها به طور تفکیک‌ناپذیری با سایر متن‌ها از رهگذر نقل قول‌های آشکار و پنهان، یا تلمیحات یا جذب مؤلفه‌های صوری و ملموس از متن‌های پیش از خود و یا به لحاظ مشارکت اجتناب‌ناپذیر در ذخیره مشترک سنن و شیوه‌های زبان شناسیک و ادبی تداخل می‌یابند (داد، ۱۳۹۰: ۴۲۳).

نظریه بینامتنیت (intertextualit) یکی از نظریات شاخص مطالعات ادبی است چنانچه گفته‌اند این اصطلاح ترجمه معادل فرانسوی (intrtexture) می‌باشد که از دو واژه‌ی (inter) به معنای تبادل و (textied) به معنای متن تشکیل یافته است، بدین ترتیب مفهوم لغوی این اصطلاح "تبادل متنی" می‌باشد (ناهم، ۲۰۰۴: ۱۳).

بر اساس این نظریه هیچ متنی به طور مستقل و جدای از دیگر متون تحقق نمی‌یابد و هر متن و اثری در ارتباط با متون پیش از خود می‌باشد و این شاعر و یا نویسنده است که با خلاقیت هنری خویش به آن متن جلوه‌ای تازه می‌بخشد، شاعران و نویسندگان جهت خلق مضامین و ایماژهای تازه با الگوبرداری از مفاهیم و تصویرهای مطرح شده توسط شاعران پیشین به وسیله آشنایی‌زدایی و هنجارشکنی به خلق آثار تازه می‌پردازند و سخن خود را نو و تازه می‌کنند.

بر تمام پژوهشگران عرصه‌ی ادب فارسی پر واضح است که شعر سنایی همواره نقطه‌ی ممتازی در تاریخ شعر فارسی محسوب می‌شود، تا آنجا که می‌توان شعر فارسی را به دو بخش شعر قبل از سنایی و شعر بعد از سنایی تقسیم‌بندی کرد؛ چرا که وی خون زنده و بیداری را وارد رگ‌های فرسوده‌ی شعر فارسی کرده است و تمام ساحت‌های شعر فارسی را از لحاظ مضمون و مفهوم دستخوش افکار ناب خود قرار داده است. سنایی چه در قصیده و غزل و چه در عرصه‌ی مثنوی با حدیقه و دیگر آثارش «سراغاز» تغییر گشته است؛ تا آنجا که تمام جریان‌های شعری بعد از او به نوعی وامدار و روزی‌خور خوان او گشته‌اند و همین نکته است که او را تبدیل به شاعر دوران ساز maker epoch شعر فارسی کرده است (عباس علی زاده، ۱۳۹۳: ۶۶۴).

چنانچه خرمشاهی نقل می‌کند سنایی از بزرگترین قصیده‌سرایان و مثنوی‌سرایان عرفانی و از بنیانگذاران ادبیات منظوم عرفانی فارسی است. شعر او پرشور، خوش بیان، متنوع، و نصایح او دلاویز است. تأثیر سنایی بر حافظ چندان از نظر صوری و ساختاری نیست، بلکه بیشتر محتوایی است. ظاهراً سنایی نخستین شاعری است که قلندریات عارفانه سروده و حدیث از مطرب و میخانه و خرابات در میان آورده است. نخستین شاعری که رند نواز است، سنایی است. تجاهر به فسق به قصد ملامت شنوی و تهذیب نفس و زدودن ریا و دردنوشی و خرابات پروری و ترک مسجد و صومعه و روی آوردن به خرابات و پرداختن به مغیبه و می‌مغان، که او جش در شعر حافظ است، سراغ‌آزش در شعر سنایی است (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۴۲).

همین مطلب را فروزانفر چنین بیان می‌کند: به خصوص شعر قلندری که نمودار آزادی فکر و نوعی سرکشی نسبت به رسوم و عقاید معمول و ارجمند نزد عامه آن عصر به شمار می‌رود، و حافظ آن را به اوج کمال رسانیده است، دستکار صنعت فکر و طبع معنی‌آفرین و فصاحت گستر حکیم سنایی است (فروزانفر ۱۳۸۴: ۲۵۵). با توجه به این مقدمات در این مقاله برآنیم تا میزان روابط بینامتنی حافظ و سنایی را هم از لحاظ صوری و ساختاری شعر و هم از لحاظ محتوا و مفهوم مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

تأثیرپذیری صوری و ساختاری

الف) یکی از مواردی که آشکارا در شعر حافظ از سخن سنایی به چشم می‌خورد، وجود تضمین‌ها و شباهت‌ها است، در ادامه نمونه‌ای از این تضمین‌ها را بیان می‌کنیم:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

سنایی:

دوش ما را در خراباتی شب معراج بود

آنکه مستغنی بد از ما هم به ما محتاج بود

حافظ:

سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد

ما به او محتاج بودیم، او به ما مشتاق بود

سنایی:

گرد پاکی گر نکردی گرد خاکی هم مگرد

مرد یزدان گر نباشی جفت اهریمن مباش

حافظ:

دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل

مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان

سنایی:

ساقیا برخیز و می در جام کن

و ز شراب عشق دل را دام کن

حافظ:

ساقیا برخیز و در ده جام را

خاک بر سر کن غم ایام را

سنایی:

دی ناگه از نگارم اندر رسید نامه
گفتم که: عشق و دل را باشد علامتی هم
گفتا: بگیر زلفم گفتم: ملامت آید

قالت: رای فوادی من هجرک القیامه
قالت: دموع عینی لم تکف بالعلامه
قالت: الست تدری العشق و الملامه

حافظ:

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقش در دیده صد علامت
گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم

إتی رأیثُ دَهراً من هجرک القیامه
لَیسَت دُموعُ عینی هذا لَنا العلامه
و الله ما رأینا حُباً بلا ملامه

سنایی:

مگر که جمله بمرند و نیز شاید بود

خدای عزوجل جمله را بیامرزاد

حافظ:

نظیر خویش بنگذاشتند و بگذاشتند

خدای عزوجل جمله را بیامرزاد

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چنانچه مشاهده می‌شود حافظ بسیاری از ترکیبات و عبارات را گویی از سنایی وام گرفته است و آنها را در اشعار خویش به کار برده است، حتی گاهی پا را فراتر از این گذاشته و کل مصرع را تضمین کرده است.

ب) همانندی‌های وزن و قافیه

یکی دیگر از مواردی که به تکرار در شعر حافظ مشاهده می‌شود همانندی‌های وزن و قافیه است، گویی حافظ تمدا در همان و وزن و قافیه‌ای که سنایی شعر سروده به استقبال او رفته و خود را آزموده. در ادامه نمونه‌هایی از مطلع این اشعار نقل خواهد شد:

سنایی:

چون خرامان ز خرابات برون آمد مست

شور در شهر فکند آن بت ز نار پرست

حافظ:

که به پیمانہ کشتی شهره شدم روز الست

مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست

سنایی:

من آن ذاتم که او از نیستی جان و روان دارد

اگر ذاتی تواند بود کز هستی توان دارد

حافظ:

بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد

بتی دارم که گرد گل ز سنبُل سایه‌بان دارد

سنایی:

تا بد و نیک جهان پیش تو یکسان نشود

سوز و شوق ملکی بر دلت آسان نشود

کفر در دیده انصاف تو ایمان نشود

تا بد و نیک جهان پیش تو یکسان نشود

حافظ:

تا ریا و رزَد و سالوس مسلمان نشود

گر چه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود

سنایی:

تا بر حسب تو فرش قدمش جان نشود

ای خدایی که رهیت افسر دو جهان نشود

سنایی:

وی به شده از دست تو صد علت هائل

ای حل شده از علم تو صد گونه مسائل

حافظ:

يَحْيِي بْنِ مُظَفَّرٍ مَلِكِ عَالِمِ عَادِلٍ

دارای جهان نصرت دین خسرو کامل

سنایی:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

رخ چو عیاران نداری جان چو نامردان مکن

صاحب صاحبقران خواجه قوام الدین حسن

خویشتن را در خرابات جوانمردی فکن

مقدمش یا رب مبارک باد بر سرو و سمن

یا مگر سودای عشق او ز سر بیرون کنم

گفت کو زنجیر؟ تا تدبیر این مجنون گنم

در کار عشق تن به بلا در نهاده‌ایم

همراز عشق و همنفس جامِ باده‌ایم

دلَم پر نیش گشت و طبع پر نوش

بتِ سنگین دلِ سیمین بناگوش

داده یکباره عنان خود به دست اهرمن

مقدمش یا رب مبارک باد بر سرو و سمن

برگ بی برگی نداری لاف درویشی مزن

حافظ:

سرور اهل عمایم شمع جمع انجمن

سنایی:

گر شراب دوست را در دست تو نبود ثمن

حافظ:

افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن

سنایی:

ای مسلمانان ندانم چاره دل چون کنم

حافظ:

دوش سودای رُخس گفتم ز سر بیرون گنم

سنایی:

ما را میفکنید که خود او فتاده‌ایم

حافظ:

ما بی غمانِ مستِ دل از دست داده‌ایم

سنایی:

ز جزع و لعلت ای سیمین بناگوش

حافظ:

بُرد از من قرار و طاقت و هوش

سنایی:

ای همیشه دل به حرص و آز کرده مرتهن

حافظ:

افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نتیجه‌گیری:

با توجه به نظریه‌ی بینامتنیت که بررسی روابط بین متون می‌پردازد و بر این باور است که ریشه هر متن و اثر هنری را باید در متون پیش از خود جستجو کرد، می‌توان مدعی شد که حافظ در آفرینش اشعار خویش چه از نظر صورت و چه از نظر وزن و قافیه بسیار تحت تأثیر سنایی بوده است، تأثیر پذیری صوری حافظ از سنایی تا آنجا پیش می‌رود حافظ جدا از استفاده از ترکیبات شعری سنایی، گاه از یک مصرع کامل او در شعر خویش بهره می‌برد و گاه نیز در همانندی وزن و قافیه به طور کامل گویی به استقبال شعر سنایی رفته است.

مراجع

۱. حافظ، شمس الدین، ۱۳۸۱، دیوان حافظ، تصحیح غنی و قزوینی، تهران: بلادی.
۲. خرمشاهی، بها الدین، ۱۳۸۰، حافظ نامه: شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. داد، سیما، ۱۳۹۰، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ پنجم، تهران: مروارید.
۴. سنایی، ابومجد مجدودبن آدم، ۱۳۸۳، حدیقه الحقیقه، تصحیح مدرس رضوی، چاپ ششم، بیجا: دانشگاه تهران.
۵. عباس علی زاده، علی، تکنبار فیروزجایی، حسین، ۱۳۹۳، بینامتنیت اشعار سنایی در اشعار خاقانی، همایش بین المللی بینامتنیت، قم.
۶. فروزانفر، محمد حسن، ۱۳۸۴، سخن و سخنوران، چ: پنجم، انتشارات: خوارزمی.
۷. ناهم، احمد، ۲۰۰۴، التناسف فی شعر الرواد، الطبعة الاولى، بغداد: دارالشون.
۸. واشقانی فراهانی، ابراهیم، ۱۳۹۵، مروری بر حضور اساطیر ایرانی در شعر عصر سلجوقی با محوریت اشعار خاقانی شروانی، مجله مطالعات ایرانی، سال پانزدهم، ش ۳۰، (۲۱۰-۲۲۲).